

اعتصاب غذای مبارزان دربند با عقب نشینی رژیم پایان یافت

مبارزان زندانی در جریان اعتصاب غذای خود به شیوه های گوناگون مبارزه دست یازیدند، از جمله بدلیل فشارها، محدودیت ها و حق کثی هائی که در حق خانواده هاشان اعمال می شود از ملاقات با بستگان خویش خودداری کردند و نیز برای پیشبرد خواستهایشان، به رغم توهین و تحقیر و شکنجه از جانب مسئولان زندان ها از دریافت " جیره غذایی " اکیدا امتناع ورزیدند. رژیم تلاش ورزید تا خبر اعتصاب به بیرون از زندان ها درز پیدا نکند، اما واقعیت خیلی زود برملا شد و خانواده های زندانیان سیاسی علیرغم همه موانعی که در مقابلشان ایجاد شده بود با شجاعت و فداکاری تمام به شکلی کم و بیش بقیه در ص ۲

اعتصاب غذای توده ای های دربند و دیگر مبارزان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی در زندان های مختلف جمهوری اسلامی از جمله " اوین "، " گوهردشت " و دیگر نقاط، با عقب نشینی رژیم پایان یافت. این اعتصاب که در رویارویی با شرایط وحشتناک و غیرقابل تحمل حاکم بر زندان ها، آزار و شکنجه روحی و جسمی مبارزان دربند، کمبود جیره مواد غذایی و امکان های بهداشتی و دارویی، سرمای شدید و کمبود دستگاه های حرارتی، نپذیرفتن لباس گرم، دارو و مواد غذایی از خانواده زندانیان سیاسی و... سازمان داده شد در درون جامعه و در سطح بین المللی انعکاس داشت و پشتیبانی و همبستگی نیروهای مرفقی و مردم آزادخواه را برانگیخت.



شماره ۱۳۴ دوره هشتم
سال سوم سه شنبه ۱۳۶۵/۱۰/۲
بها ۲۰ ریال

شراهه های جنگ امپریالیسم برافروخته را باید خاموش کرد

هر روز که می گذرد، جنگ فرسایشی ایران و عراق وارد مرحله " خطرناکتری می شود. اعزام اجباری صد هزار نفر دیگر از جوانان و از جمله کودکان دبستانی به کشتارگاهی به نام جبهه های جنگ که با زرد و بندهای سری سران مرتجع جمهوری اسلامی با امپریالیسم آمریکا و صهیونیستهای اسرائیل ارتباط نزدیک دارد، نشانگر تدارک حمله جدید در جبهه های جنگ است.

اینک پس از افشای ماجرای " ایران گیت " در زمینه " فروش تسلیحات نظامی آمریکا به ایران که در آن سازمان جاسوسی " سیا " و صهیونیستهای اسرائیل نقش تعیین کننده ای داشتند و نیز دادن اطلاعات از جانب آمریکا به عراق در زمینه " بمباران مراکز صنعتی، پالایشگاه های نفت و نیروگاه های برق ایران، برای همگان روشن شده است که امپریالیسم آمریکا و متحدین آن در ناتو آتش بباران اصلی ادامه " این جنگ فرسایشی بوده و هستند. بقیه در ص ۶

"اودیسی در "اجلاس جهانی دانشجویان"

از تاریخ ۲۶ - ۲۹ آبان، " اجلاس جهانی دانشجویان " با شرکت ۲۱۲ نماینده از ۱۲۲ کشور و منطقه جهان در پراگ برگزار گردید.

نماینده " سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران " (اودیسی) و سازمان دانشجویان پیشگام نیز از ایران در این اجلاس شرکت داشتند.

برگزار کننده " این اجلاس " اتحادیه " بین المللی دانشجویان " بود. موضوع اساسی اجلاس، که به مناسبت چهلین سالگرد اتحادیه " بین المللی دانشجویان برگزار گردید " تحصیل، جامعه و صلح " بود.

نماینده " سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران " (اودیسی) " بصورت فعال در این اجلاس شرکت کرد و با سخنرانی در کمیسیونهای بقیه در ص ۶

برنامه نهمین حزب توده ایران را می آموزیم جبهه متحد خلق برخی مبانی تئوری و پراتیک (۱)

سفر مک فارلین: حلقه ای از توطئه امپریالیسم علیه مردم ایران

در ارتباط با برملا شدن سفر مک فارلین به ایران، ریگان، رئیس جمهور آمریکا، ضمن پرده برداشتن از " اعمال دیپلماسی مخفی با ایران " اعلام داشت: " تماسهای مخفی آمریکا و ایران در ۱۸ ماه گذشته در راستای تامین منافع ملی ایالات متحده " آمریکا بوده است. " بنوشته " روزنامه های " نیویورک تایمز " و " واشنگتن پست " ریگان درباره " علل ارسال اسلحه " آمریکائی به ایران، گفت که آمریکا می خواهد پس از مرگ خمینی " با سران رژیم آینده ایران ارتباط داشته باشد و عوامل میانه رو را تقویت کند. " در گزارش بی بی سی. از آمریکا نیز تاکید شده است که " مقامات رسمی آمریکا می گویند آنان سعی دارند گروه های میانه رو را در ایران مورد حمایت قرار دهند تا در وقت مناسب بتوانند روابط ایران را با آمریکا بهبود بخشند. "

سخنان ریگان و دیگر مقامهای آمریکائی پیرامون سفر مک فارلین به ایران، در واقعیت امر درونمایه " سیاست توطئه آمیز امپریالیسم جهانی، پسرکردگی امپریالیسم آمریکا، در قبال خلق و میهن ما ایران را نشان می دهد. سفر مک فارلین که در چارچوب بازسازی پلهای فرو ریخته " مناسبات غارتگرانه " آمریکا و ایران صورت می گیرد، نه تنها نشان دهنده " مرحله " معینی از تکوین تلاشهای امپریالیستی، بلکه یکی از عناصر توطئه های پرده منتهی است که امپریالیسم جهانی، به کمک عوامل و کارگزاران و پایگاه داخلی خود در کشور ما، در حال پیاده کردن آنها است. هدف تلاشها و توطئه های امپریالیسم باز گرداندن آب رفته به بقیه در ص ۷

آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی از دیدگاه ما

در برنامه " حزب توده " ایران تحقق بخشیدن به شعارهای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، شرط ضرور اتحاد نیروها در جبهه " متحد خلق تعیین شده است.

برای اولین بار نیست که حزب توده " ایران پیکار در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی را برای بسیج توده ها مطرح می کند. از نخستین روز تاسیس حزب توده " ایران، این شعارها در سرلوحه " برنامه " ما قرار داشته است. بعدها سیر حوادث و از همه مهمتر جا افتادن این شعارها و قبول آنها از جانب اکثر توده های زحمتکش، دیگر نیروها را نیز مجبور کرد تا برای جلب توده ها به طرح این شعارها متوسل شوند. روحانیون حاکم هم چه در جریان اوچگیری جنبش انقلابی و چه در سالهای نخست پس از انقلاب، که به جدابیت شعارهای حزب ما پی برده بودند، از آنها برای جلب حمایت زحمتکشان بهره گرفتند.

باید خاطر نشان ساخت که برخورد به مقولاتی از قبیل آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی نمی تواند به طور مجرد صورت بگیرد و همسان باشد. در این مورد مشخص نیز نباید برخورد طبقاتی به پدیده های اجتماعی را از نظر دور داشت. برخورد طبقاتی از ویژگیهای جدائی ناپذیر تئوری و متدولوژی مارکسیسم - لنینیسم به پدیده های اجتماعی است. هر نیروی سیاسی که بیانگر منافع این یا آن طبقه و گروه اجتماعی است، تصور معینی از آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی دارد.

برای مثال، اگر درباره " آزادی " بطور تجربیدی بحث کنیم، طبیعاً باید آزادی و دمکراسی را که صاحبان سرمایه برای حفظ منافع طبقاتی خود تجویز می کنند، پذیرا شویم. حال آنکه آزادی و دمکراسی حرکت آزاد در خلا " نیست و نمی تواند به طور مجرد مطرح شود. چنین ادعائی از جانب هر طبقه ای دروغ محض است. آزادی و دمکراسی جز " جدائی ناپذیر مبارزه " طبقاتی است. به بیان دیگر بقیه در ص ۲

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

کی به کیه؟! ۰۰۰۰۰

تاکسی‌ها پول اضافی می‌گیرند

باینکه ورودی تاکسی ۱۵ ریال اعلام شده است، در روز های اخیر تاکسی ها حتی تا سه تومان هم حق ورودی مطالبه می‌کنند و مسافر یاباید با راننده دست به یقه بشود، یا پول اضافی بپردازد .
از مقامات ذریع تاقضا دارد روشن سازند در قبال رانندگان متخلف ، مسافر چه باید بکند ؟
چند تاقن به خط ارتباطی

اطلاعات (۱۳۶۵/۷/۷)

- منظور اصلی شان هم همین بود که شما را با همدیگر دست به یقه بکنند و با خیال راحت به کار خودشان برسند، مگر شاعر نگفتند:

آن دو بودند چو گرم زدو خورد
دزد سوم زرشان را زد و برد!

وزن نان معیاری ندارند

بزرگ کوچکی و سنگین سبکی نان هیچ معیاری ندارد. ممکن است هم ۵۰۰ عدد او این یک کیلو باشد و هم دهه عدد آن یک کیلو بشود . از شورای آرد و نان انتظار هست حال که سهمیه به نانوایان میدهد به هر نحو امکان پذیر باشد نظارتی در مورد کمیت همچنین کمیت نان معمول دارند.

کریمیان

اطلاعات (۱۳۶۵/۶/۱۷)

- برادر کریمیان! ناراحت نباشید! اگر شکم تان سیر نمی‌شود، در عرض از فرضیه نسبت انشتین سر در می‌آوردید!

سینما و قناتر نداریم

شهرستان فلاورجان با داشتن چندین هزار نفر جمعیت فاقد سینما و تئاتر است و علاقمندان به تماشای فیلم یا نمایش باید به ناصیه‌ها، مسافرت کنند از مناطقی مربوطه درخواست می‌شود در این زمینه فکری برای اهالی فلاورجان بکنند.

فلاورجان - مصطفی شریعت

اطلاعات (۱۳۶۵/۶/۲۷)

- عجب دل خوشی داری ، برادر! مردم در پایتخت مملکت یا در همان اصفهان شما نان ندارند بخورند، آه ندارند با ناله سودا کنند. آن وقت تو توقع داری در فلاورجان سینما و تئاتر داشته باشی؟! " مقامات مربوطه " برای احتیاجات روزمره مردم نتوانسته‌اند فکری بکنند، انتظار داری برای سینما و تئاتر فلاورجان فکری بکنند!؟

یکی می‌رود زرد بینوائی

یکی می‌گفت مادر فلاورجان سینما نداریم!

دمکراتیک و تد اوام آن به رهبری لایحه کارگر رادر مقابل اصلاحات بورژوائی قرار می‌دهیم و در این زمینه شعارهایی را پیش می‌کشیم که برای مردم مفهوم و ملموس باشد . شعارهای آزادی ، استقلال و عدالت اجتماعی ، به معنی آنچه که ما گفتیم ، شعار توده‌های میلیونی زحمتکشان است که از پائین ، یعنی بوسله خود زحمتکشان و پیشاپیش آنان کارگران و دهقانان تهدیدست باید جامعه عمل ببوشند . طبیعی است که تحولات بنیادی به سود زحمتکشان با مقاومت هیئت حاکمه روبرو خواهد شد . درست به همین دلیل ما مسئله درهم شکستن قهرآمیز این مقاومت رادر دستور روز قرار داده ایم .

چنین است معنی و مضمون آزادی ، استقلال و عدالت اجتماعی از دیدگاه حزب توده ایران .

آزادی و دمکراسی برای کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان شهر و روستا، یعنی اکثریت مطلق مردم جامعه هستیم . این برخورد حزبی هم به نفع طبقه کارگر و هم به نفع مجموعه جامعه است . مادر راه پیشرفت اجتماعی مبارزه می‌کنیم و در این مبارزه نمی‌توان مسئله آزادی رانادیده گرفت .
درباره " استقلال " و " عدالت اجتماعی " نیز، میان آنچه که ما می‌گوئیم با آنچه که برخی از نیروهای اپوزیسیون بورژوائی مطرح می‌کنند، فرق ماهوی وجود دارد .

در شرایط کنونی، بورژوازی بنا به ماهیت طبقاتی خود نمی‌تواند مدافع استقلال کشور باشد . می‌گویند سرمایه وطن ندارد . این حقیقت راتاریخ سرمایه‌داری در سراسر جهان و از جمله در کشور ما به ثبوت رسانده است . سود، یگانه انگیزه سرمایه‌دار از سرمایه‌گذاری است . مسئله میهن و خلق ... نیز برای صاحبان ثروت فقط در این محدوده مطرح است .

چه کسانی کشور ما را، در دوران حاکمیت شاه، به عرصه تاخت و تاز انحصارهای فرامیلتی مبدل کردند؟ - کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان . کدام نظام، میهن ما را علبه زانده امپریالیسم و در راس آن امپریالیسم آمریکا مبدل کرد؟ - نظام منحن سرمایه‌داری . چه کسانی در زمان اوج گیری نهضت انقلابی بلافاصله سرمایه‌ها را به بانکهای آمریکا و سوئیس و انگلستان و فرانسه منتقل کردند؟ - باز هم سرمایه‌داران . امروزه چه کسانی در پشت پرده با امپریالیسم آمریکا به سازش دست زده و ماجرای " ایران کیت " را بوجود آورده‌اند؟ - باز هم کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان عمال امپریالیسم و هندستان آنها در حاکمیت جمهوری اسلامی . هدف همیشه یکی بوده است : زیر پا گذاردن استقلال و حق حاکمیت کشور، جلوگیری از دستیابی به استقلال اقتصادی که بدون آن استقلال سیاسی معنی و مفهومی ندارد .

کدام نیروها در مقابل این گونه خیانت‌های آشکار به مصالح ملی و استقلال کشور مقاومت کرده و می‌کنند، قربانی داده و می‌دهند؟ در درجه اول کمونیستها، یعنی مدافعان واقعی استقلال ایران . تبلیغات افسارگسیخته و زهر آگین علیه توده ایبهائیز از اینجانشات می‌گیرد .

اکثریت مردم میهن ما از استثمار و ستم صاحبان ثروت در رنج و عذاب هستند . تورم ، سیر صعودی قیمت‌ها، بیکاری و فقری که میلیونها ایرانی با آن دست بگریبانند، محصول سیاست ضد خلقی رژیم است که نظام نکبت‌بار سرمایه‌داری وابسته رابه جامعه ما تحمیل کرده است . در چنین شرایطی عدالت اجتماعی جز از طریق پیشرفت اجتماعی، یعنی تحول بنیادی در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حاصل نمی‌شود .

بنابراین دستیابی به استقلال و عدالت اجتماعی، بدون بیکار سرخت و پیگیر علیه کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان، علیه امپریالیسم و عمال آن، علیه دیکتاتوری و خودکامگی، امکان‌پذیر نیست .

میلغان بورژوائی، در بهترین حالت ، مسئله اصلاحات را، آثم برای جلوگیری از عصیان توده‌ها مطرح می‌سازند . ما مسئله انقلاب ملی و

آزادی، استقلال و عدالت ۰۰۰

در جامعه طبقاتی آزادی نمی‌تواند جدا از مبارزه طبقات و گروه‌های اجتماعی باشد . هم بورژوازی و هم پرولتاریا آزادی را برای دفاع از منافع طبقاتی خود می‌خواهند . اگر حزب طبقه کارگر هدف خود از آزادی را صریح و آشکار بیان می‌کند، بورژوازی مالموسانه می‌کوشد که منظور خود را از افکار عمومی پنهان دارد .

میلغان بورژوازی می‌کوشند چنین وانمود کنند که آزادیهای بورژوائی را داوطلبانه " اعطا " کرده‌اند . اما، همه می‌دانند، این آزادیها شمره مبارزه خونین طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان است . با این وجود، هنگامی که منافع طبقاتی صاحبان ثروت مورد مخاطره قرار می‌گیرد، ارگانهای سرکوبگر بورژوائی، بدون کوچکترین درنگی آزادیهای دمکراتیک مصرحه در قوانین اساسی خود را زیر پای می‌گذارند . آنجا که کارگران و دیگر زحمتکشان علیه مالکیت خصوصی بپا می‌خیزند، حتی مراعات ظاهری آزادی و دمکراسی نیز برای بورژوازی مفهوم خود را از دست می‌دهد . در نظام سرمایه‌داری حتی به اعتصاب مسالمت آمیز اقتصادی کارگران که سود انحصاری رابه مخاطره می‌اندازد با گاز اشک‌آور و زندان و اخراج دسته‌جمعی کارگران پاسخ می‌گویند . اما نظریه پردازان بورژوائی هیچگاه به این واقعیت اعتراف نمی‌کنند . زیرا در این صورت باید به ماهیت ارتجاعی طبقه‌ای که از آن دفاع می‌کنند، اعتراف کنند .

هستند افرادی که به اصطلاح آزادی در " جهان آزاد " را به عنوان نمونه پیش می‌کشند، بدون اینکه مضمون و محتوی طبقاتی آن را مطرح کنند . آیا واقعا هم در " جهان آزاد " هر کسی حق دارد هر چه دلش خواست بگوید و بیا هر طوری خواست عمل کند؟ کدام کارگر قادر است در آمریکا، این به اصطلاح " مهد جهان آزاد "، نظرات خود را در معرض قضاوت و افکار عمومی قرار دهد؟ در کشوری که رسانه‌های گروهی آن در انحصار صاحبان ثروت است، چگونه می‌توان از آزادی بیان، عقیده و اظهار نظر آزاد سخن به میان آورد؟ در کشورهای سرمایه‌داری کارگر حتی از آزادی فروش نیروی کار خود محروم است و فقط زمانی می‌تواند آن را بفروش رساند که انحصارها و مالکان ابزار تولید خریدار باشند . نتیجه چیست؟ بیش از ۲۰ میلیون تن بیکار در کشورهای رشد یافته صنعتی سرمایه‌داری، گسترش فقر و بی‌خانمانی و تمرکز هر چه بیشتر ثروت در دست عده‌ای قلیل .

ارگانهای سرکوبگر نظام بهره کشی انسان از انسان که هدفش کسب سود هر چه بیشتر است، هیچگاه از سرکوب زحمتکشان، از ترور و اخناق، از یابمال کردن حقوق بشر زیر پرچم آزادی دست بردار نخواهند بود . دولت در جوامع سرمایه‌داری اهرم سیادت طبقه سرمایه‌دار بر اکثریت زحمتکش است . ما در کشور خود نیز ناظر آن بوده هستیم . مبارزه با افکار و عقاید دگراندیشان از طریق توسل به ترور، از ویژگیهای نظامهای حاکم بر کشور ما بوده هست .

ما کمونیست‌ها، یگانه نیروی سیاسی هستیم که واقعیت را بی‌پرده اعلام می‌کنیم . ما طرفدار

همسانی عقیدتی "مافیای سیاسی" ایتالیا و سران ج.ا

احکام زندان در از مدت تا ۲۰ سال را صادر می‌کند و زندانیان سیاسی را از حق مسلم استفاده از وکلای مدافع محروم می‌سازد، رژیمی که قانون قرون وسطایی و وحشیانه، قصاص را پایه و اساس قضاوت قرار می‌دهد و سنگسار کردن زنان، بریدن دست، کور کردن چشم و ... را جایگزین قوانین و موازین قضائی و حقوقی مورد قبول بشریت مترقی کرده است، چگونه می‌تواند خواهان "مراعات اصول و مبادی اخلاقی - انسانی" در برخورد با خود باشد.

این فقط یک روی سکه است. روی دیگر سکه که "اطلاعات" روی آن تکیه می‌کند و فقط شکل "گلابه" دارد "مافیای سیاسی" حاکم بر ایتالیا است، همان مافیائی که رژیم ج.ا. مناسبات بسیار "برادرانه" با آن دارد. کیست که نداند انحصارهای ایتالیائی، یعنی همان "مافیای سیاسی" یکی از بزرگترین طرفهای معامله رژیم بوده و هستند. خود هادی خسروشاهی هم به وجود این روابط نزدیک در قالب "معاملات میلیارد دلاری" انحصارهای ایتالیائی با رژیم، اعتراف می‌کند. وی پا را از این هم فراتر می‌گذارد و برای اینکه "عطوفت" امپریالیست‌های ایتالیائی را به خوش خدمتی‌های ج.ا. جلب کند، می‌نویسد که "ما خدمت بزرگی بر توسعه دانش و بهینش فلسفی - فکری مردم شما انجام داده‌ایم ... ما در مرکز فرهنگی خود در رم سمینار علمی تشکیل دادیم و مجالس مذهبی برقرار نمودیم، ۱۶۰ نوع کتاب و نشریه چاپ کردیم ... تا توده‌های استثمار شده ایتالیا بدانند که حزب کمونیست شما چه می‌گوید و اسلام چه می‌خواهد".

بدینسان "اطلاعات" همسانی عقیدتی در زمینه "کمونیسم ستیزی" با "مافیای سیاسی" را یکی از افتخارات ج.ا. می‌شمارد و معتقد است که "مافیای سیاسی" حاکم بر ایتالیا باید با توجه به این فعالیت، مناسبات خود را با ج.ا. مستحکم سازد. او، در پایان مقاله خطاب به "مافیای سیاسی" می‌نویسد: "امیدوارم که این تکرار را بدقت بخوانید و با تعقل کافی محتوای آن را بررسی و درک کنید ...".

ما تردیدی نداریم که "مافیای سیاسی" حاکم بر ایتالیا همچنان با مافیای سیاسی ج.ا. زبان بقیه در ص ۶

مبلغان ج.ا. از افشای روابط پنهانی با امپریالیسم آمریکا و صهیونیست‌های اسرائیل سخت برآشفته شده‌اند. نمونه جالب در این زمینه علاوه بر سخنرانیهای سران رژیم، مقاله هادی خسروشاهی در "اطلاعات" مورخ ۱۳ آذر سال جاری است. این مقاله که در ارتباط با مناسبات ج.ا. و دولت ایتالیا نوشته شده، انباشته از توده‌های ستیزی و کمونیسم ستیزی است.

"اطلاعات"، "تحلیل" خود را از "مافیای سیاسی" و "مافیای فساد" حاکم بر ایتالیا شروع می‌کند، اما بلافاصله لبه تیز حملات خود را به کمونیست‌های ایتالیا و روزنامه "اونیوتا" ارگان حزب کمونیست آن کشور متوجه می‌سازد. نویسنده، از پشتیبانی انترناسیونالیستی حزب کمونیست ایتالیا از حزب توده ایران برآشفته است. وی از اینکه حزب برادر به توده‌ایها "برای تشکیل نمایش‌های خیابانی" و برپائی "غرفه" ویژه در رم، فلورانس، ونیز و پروجا کمک می‌کند، نگران است و همه اینها را "موضع خصمانه، غیر اخلاقی و ضد انقلابی در رابطه با مسائل انقلاب اسلامی" می‌داند. چرا؟ برای اینکه توده‌ایها سرشت ضد انسانی رژیم حاکم بر ایران را فاش می‌سازند.

هادی خسروشاهی می‌پرسد، چرا روزنامه "اونیوتا" حقایقی را که ما می‌نوشتیم و به آن می‌فرستادیم، حداقل به عنوان یک دیدگاه منتشر نکرده است؟ آقای خسروشاهی کدام حقایق را می‌گوید؟ تحریف حقایق، آنچه‌ان که در ج.ا. مرسوم است یا حقایق درباره ده‌ها هزار زندانی سیاسی، حقایق درباره شکنجه‌های فاشیستی روانی و فیزیکی، حقایق درباره صدها نفر از میهن پرستان تیرباران شده و با حقایق پیرامون کشتار انسانها زیر شکنجه‌های حیوانی؟

حیرت آور آن است که در این رابطه، نویسنده از عدم مراعات "اصول و مبادی اخلاقی - انسانی" سخن می‌گوید. آیا رژیم حاکم بر میهن ما کوچکترین ارزشی برای اصول و مبادی اخلاقی - انسانی قائل است؟

در کشوری که بیدادگاه‌های شرع آن، طی یک نشیبت و برخاست چند دقیقه‌ای احکام اعدام توده‌ایها و دیگر مبارزان انقلابی را صادر می‌کنند، رژیمی که بدون دادن حق دفاع به زندانیان سیاسی،

شده است. برخی از توده‌ای‌های دربند به آسایشگاه " که برخلاف این عنوان بی‌مسما مخوف ترین بند زندان است، منتقل شده‌اند. شکنجه و بازجویی‌های مجدد ادامه دارد. جان فرزندان مبارز خلق در خطر جدی است.

طبق خبرهایی که به دفتر "نامه مردم" رسیده، رفقای عضو سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که اخیراً دستگیر و روانه سیاهچال‌ها شده‌اند، از حق ملاقات با خانواده‌های خود محروم هستند و تحت شکنجه‌های شدید جسمی و روحی قرار دارند. سران رژیم تلاش می‌ورزند تا با وارد آوردن انواع و اقسام اتهام‌های ناروا و واهی، رفقای فدائی را در بیدادگاه‌های

اعتصاب غذای مبارزان دربند ***

سازمان یافته در سطح وسیع به افشاگری پرداختند. این سبب شد که افکار عمومی در سطح چشمگیری از فجایعی که در درون سیاهچال‌های رژیم می‌گذرد آگاه شود. بسیاری از مردم به همدردی با خانواده‌های زندانیان سیاسی پرداختند. خیلی زود در سطح جامعه برملا شد که حاکمان جنایتکار "شرع" و دیگر جلادان و شکنجه گران برای درهم شکستن شخصیت و روحیه مقاوم توده‌ای‌ها، فدائیان و دیگر مبارزان دربند گروهی قاچاقچی و دزد و جنایتکار را از زندان قصر به بندهای مختلف " زندان اوین " منتقل کرده‌اند. حتی یکی از آنها به عنوان مسئول یکی از بندها برگزیده می‌شود. این وضع سبب اعتراض دسته جمعی زندانیان سیاسی می‌شود. مسئولان زندان که خیلی حساب شده به چنین عملی دست زده بودند، زندانیان عادی و توابان مسلح به چاقو و در قوطی کمپوت را به جان مبارزان انداختند، بطوری که در جریان این حرکت خونین گروهی از زندانیان سیاسی زخمی و به "بهداری" منتقل شدند. در ادامه این وضع بود که اعتصاب غذا سازمان داده شد.

بنابه گزارش‌های رسیده بسیاری از خانواده‌های زندانیان سیاسی برای وارد آوردن فشار به مسئولان جنایت پیشه زندان‌ها بطور جمعی به قم رفتند، اما دفتر منتظری از پذیرفتن آنها سرباز زد. خانواده‌ها دست از مبارزه کشیدند و در محوطه مقابل مجلس گرد آمدند و خواهان ملاقات با رفسنجانی شدند. رفسنجانی نیز که از خشم و کین آنها باخبر بود جرات ملاقات با مادران، پدران، همسران و فرزندان توده‌ای‌ها و دیگر مبارزان دربند را در خود نیافت. برای متفرق کردن اجتماع کنندگان نیروهای نظامی و انتظامی " به مقابل مجلس گسیل شدند، اما نه زبان خوش " و نه ضربه‌های قنداق تفنگ کارساز نشد و در عرض چند ساعت کار افشاگری علیه رژیم به میزان قابل توجهی دست یافت هنگام بازگشت از مقابل مجلس عابران کنجکاو و رانندگان پیش می‌آمدند و می‌کوشیدند تا در جریان مسائل داخل زندان‌ها قرار بگیرند. در پاسخ به آنها به ویژه مادران و همسران زندانیان سیاسی به افشاء جنایت‌های رژیم می‌پرداختند ...

اعتصاب غذای مبارزان دربند صفحه زیر دیگری در تاریخ مبارزه خلق علیه رژیم استبداد قرون وسطائی گشود و انعکاس وسیع مبارزه قهرمانانه در درون و بیرون زندان و نیز انعکاس بین المللی آن، چنانکه اشاره شد، سبب گردید که رژیم با قبول برخی از خواست‌های مبارزان دربند اعتصابی، عقب نشینی کند. اما تردیدی نیست که این عقب نشینی موقتی است و زندانیان و عوامل مزدور رژیم در زندان‌ها دیگر بار فشارهای خود را در مورد انقلابیون دربند تشدید خواهند کرد. هم اکنون از جمله عده‌ای از رفقای مادر سلول‌های انفرادی هستند و در بیدادگاه‌های پنهانی در بسته و فرمایشی احکام زندان‌های دراز مدت در مورد آنها صادر

" شرع " به محاکمه بکشانند. جان این رفقا نیز در معرض خطر جدی است.

ما از همه اعضاء و هواداران حزب و از همه آزادیخواهان و میهن دوستان می‌خواهیم که جنایت‌های رژیم در فراموشخانه‌ها را بطور وسیع افشاء کنند. باید از کلیه امکان‌ها برای نجات جان زندانیان سیاسی بهره گرفت. باید افکار عمومی جهان را در جریان وحشیگری‌هایی که در زندان‌های رژیم ج.ا. در حق مبارزان انقلابی اعمال می‌شود، قرار داد. مبارزه در راه نجات جان زندانیان سیاسی؛ مبارزان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی وظیفه مستمر همه ماست. این مبارزه تعطیل بردار نیست.

برنامه نوین حزب توده ایران را بیاموزیم

جبهه متحد خلق

برخی مبانی تئوری و پراتیک (۱)

می شود که نظریات نادرست از "چپ" و راست به میان صفوف پیشاهنگان طبقه کارگر ایران تزریق شود. در شرایط کنونی که جنبش انقلابی ایران مرحله بازبینی و درس آموزی از تجربه گرانقدر انقلاب بهمین را از سر می گذراند و شرایط ویژه تاریخی حاکی از آن است که آن تئوری انقلابی که حاصل جمع بندی این تجربه است، سرعت در پراتیک عملی سرنوشت ساز آینده نزدیک بکار گرفته خواهد شد. بررسی نظریه مارکسیستی و نظریات اصولی حزب توده ایران در این مهمترین عرصه استراتژی و تاکتیک جنبش کمونیستی اهمیت تاریخی عظیمی پیدا می کند. بویژه که حزب ما نیز پیشاپیش و دوشادوش دیگر نیروهای انقلابی با بازبینی انتقادی تجربه هفت ساله گذشته در انطباق نظریه مارکسیست - لنینیستی انقلاب راهی بخش ملی با شرایط ویژه ایران به طراز بندی تازه ای دست یافته است که در برنامه نوین مصوب کنفرانس ملی حزب توده ایران انعکاس یافته است.

فرقه گرایی، دنباله روی یا مشی توده ای؟

اصل اساسی استراتژی حاکی از آنست که برای پیروزی در هر نبردی تأمین بیشترین تمرکز و هماهنگی نیروها در جبهه خودی و بیشترین پراکندگی در صفوف دشمن ضروری است. کمونیست ها بعنوان رهبران طبقه کارگر و سرداران سهمگین ترین پیکارهای طبقاتی تاریخ، از آنجا که خواستار پیروزی هستند، نمی توانند نسبت به این اصل بی تفاوت باشند.

از سوی دیگر اگر چه انقلاب بمعنای انتقال قدرت سیاسی از طبقه میزبند به طبقه بالنده اجتماعی است، اما در هیچ انقلاب پیروزمندی - دمکراتیک یا سوسیالیستی - یک طبقه اجتماعی به تنهایی انقلاب نکرده است. انقلاب هنگامی نطفه می بندد، نضج می گیرد و پیروزمندانه جریان می یابد که اکثریت عظیم توده های خلق به انگیزه منافع مشترک طبقاتی به پا می خیزند و دشمن مشترک طبقاتی را سرنگون می کنند. بدون شک این امر بدون شکل گیری رهبری واحد سیاسی - که پایگاه طبقاتی معینی دارد - امکان پذیر نیست. بنا به قاعده آن طبقه ای رهبری توده ها را بعهده خواهد گرفت که در شرایط تاریخی و در تناسب قوای معین سیاسی، در عین حال سخنگوی منافع مشترک توده های خلق باشد. از اینرو کمونیست ها در مبارزه در راه تأمین رهبری طبقه کارگر، مجاز نیستند که در جریان خیزش توده ها تنها نماینده و بیانگر منافع مستقل طبقه کارگر باشند. آنان ناگزیرند منافع دیگر زحمتکشان را نیز همچون منافع طبقه کارگر نمایندگی و از آن پاسداری کنند.

به این ترتیب مساله محوری استراتژی و تاکتیک به این صورت در خواهد آمد: رهبران طبقه کارگر با اتخاذ چه سیاستی می توانند در عین حال مدافع منافع طبقه کارگر و بیانگر منافع مشترک خلق باشند؟ برای جلب اعتماد زحمتکشان که تحت نفوذ دیگر احزاب مترقی هستند چه باید کرد؟ با ائتلاف با این احزاب پایه اجتماعی جنبش را گسترش داد و آرمان و اندیشه طبقه کارگر را به میان توده ها برد؟ یا با خودداری از ائتلاف نمونه "خالصی" از سیاست مستقل پرولتری را در برابر زحمتکشان به نمایش می گذاشت؟ آیا برای تأمین سرکردگی پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک، حزب طبقه کارگر باید مستقل و منفرد بماند و صبر کند تا توده ها گردو گردو تحت هژمونیش متشکل شوند یا بدون شرط قرارداد هژمونی به اتحاد کوتاه مدت و دراز مدت با دیگر نیروها دست بزند و بکوشد تا سرکردگی را در جریان رقابت در عرصه نبرد تأمین کند؟

جنبش کمونیستی جهانی، برپایه آموزش مارکس، انگلس و لنین به مشی توده ای و احتراز جدی از فرقه گرایی و دنباله روی رای داده است. در عمل مرز بندی میان فرقه گرایی (بی توجهی به سطح تحرک و تجربه و دانش سیاسی توده ها، عهده کردن منافع مستقل طبقه کارگر و بی اعتنائی به خواست های دیگر زحمتکشان و احتراز از مبارزه مشترک با دیگر نیروهای انقلابی که به جدائی پیشاهنگ پرولتری از توده های انجامد) و پوپولیسم و دنباله روی (از دست دادن استقلال سیاسی حزب طبقه کارگر، تردید و کوتاهی در مبارزه با دیدگاه های ارتجاعی و تزلزل متحدان طبقه کارگر) کار آسانی نیست. تجربه و مهارت سیاسی کافی و شناخت دقیق از شرایط مشخص جامعه انقلابی لازم موفقیّت در این حساس ترین میدان آزمون

مردم ما در سر آغاز قرن بیستم، در انقلاب مشروطیت، پیشتاز خلق های آسیا در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی بودند. از آن زمان تاکنون مر ۱۰۰ سال یک بار، یک تکانه نیرومند انقلابی میهن کهنسال، ما را لرزاند است. انقلاب گیلان، قیام آذربایجان و کردستان، نهضت ملی شدن نفت، حوادث ۱۵ خرداد ۴۲ و سرانجام انقلاب بهمین ۵۷ و سرنگونی نظام ستمشاهی، هر یک حلقه ای در زنجیره تلاش های زحمتکشان میهن ما در راه برقراری نظامی ملی و دمکراتیک بودند که یکی پس از دیگری با شکست روبرو شدند. یک قرن پس از بیداری ایران، علیرغم فرصت های مناسب تاریخی و علیرغم تاریخچه خونبار مبارزات ایثارگرانه توده ها، هنوز خواست های عمده مردم ما، آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی دست نیافته باقی مانده اند.

پیکار گرانی که امروز بر بستر این تاریخچه پرافتخار اما تلخکام مبارزه را ادامه می دهند، هر اندازه که به تئوری انقلابی کم بهادند، اگر برآستی خواهان پیروزی باشند، از جستجوی دلایل عمده این ناکامی ها ناگزیرند. و آنان که صادقانه به پاسخگویی برمی خیزند، در کنار برشماری یک سلسله دلایل عینی و اشتباهات معین تاکتیکی، در انگشت گذاردن بر ضعف استراتژیک جنبش انقلابی ایران متفق القولند: تفرقه و پراکندگی میان سازمان ها و نمایندگان سیاسی نیروهای محرکه انقلاب و ناتوانی در تشکیل جبهه ای متحد از نیروهای ملی و دمکراتیک نقش تعیین کننده ای در به شکست کشاندن مبارزات مردم ما ایفا کرده است.

این حقیقت ساده را کمتر کسی - از تاریخ نویسان تا سخنگویان نیروهای سیاسی وابسته به طبقات مختلف جامعه - انکار می کند، اما آنگاه که پای درس آموزی و کاربرد عملی تجربه در میان می آید، بدلائل گوناگون کمتر کسی بدان وفادار می ماند. بخش بزرگی از این جدال ها - بویژه آنجا که عقاید نمایندگان پرولتاریا و بورژوازی ایران یا یکدیگر برخورد می کنند - پایه و انگیزه طبقاتی دارد. اندیشه "اتحاد خلق" خود مرکز برخورد منافع طبقات مختلف خلق است. هر طبقه ای خواستار آنست که خلق متحد را در خدمت تأمین منافع طبقاتی خود هدایت کند. اما گره کار در آنست که در میهن ما نه تنها نمایندگان طبقات متفاوت از همکاری سیاسی پایدار در راه تأمین منافع مشترک طبقاتی ابادارند، بلکه نیروهای سیاسی دارای اهداف طبقاتی واحد نیز از همکاری و هماهنگی سیاسی ناتوانند. تا آنجا که دامنه ناهمسازی مواضع در جنبش "چپ" ایران، گاه کمتر از تضاد مواضع میان نمایندگان طبقه کارگر و سرمایه داری ایران نیست.

به شهادت تاریخ، کمونیست های ایران بیش از همه انقلابیون ایران از اتحاد خلق سخن گفته اند، در راه تأمین اتحاد خلق رزمیده اند، و در عین حال بیش از همه از متحدین نیمه راه خویش - بخاطر تزلزل یا خیانت قابل پیش بینی آنان - ضربه خورده اند. سهم عظیمی از این مبارزه را حزب توده ایران انجام داده است.

در عین حال سیاست کمونیست های ایران در رابطه با دیگر نیروهای انقلابی همواره از "چپ" و راست مورد انتقاد قرار گرفته است. درباره سیاست حزب کمونیست ایران در رابطه با میرزا کوچک خان جنگلی و جنبش او، حزب توده ایران و جنبش تحت رهبری دکتر محمد مصدق و سرانجام حزب توده ایران و آیت اله خمینی و پیروانش "چپ ها" و راست ها خروار ها کاغذ سیاه کرده اند و خواهند کرد. بی آنکه جز در موارد محدودی به حقیقت که بیش از همه در اسناد حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) منعکس است نزدیک شده باشند.

آنچه جستجوی حقیقت را دشوار و دستیابی به آن را دشوارتر می کند، اشتباهاتی است که در جریان پراتیک انقلابی کمونیست های ایران رخ داده است. ارزیابی نادرست و بزرگنمایی مصنوعی ابعاد این اشتباهات که اغلب اجتناب ناپذیر بوده اند، نیرومندترین اهرمی است که به اتکای آن کوشش

مارکس و انگلس اندیشه هژمونی پرولتاریا همزاد و مکمل اندیشه " اتحاد خلق " است، نه نافی آن.

دومین نوشته جامعی که در آن استراتژی و تاکتیک کمونیست ها مورد بررسی قرار گرفته است، اثر تاریخساز لنین ، " دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک " است. اهمیت این سند در گسترش و تکامل آموزش مارکسیستی انقلاب تا بدانجاست که می توان آن را قانون اساسی انقلاب دموکراتیک در دوران های نوین نامید. در این اثر لنین اندیشه های بنیادی مارکس و انگلس درباره " اتحاد خلق " و " سرکردگی پرولتاریا " را گسترش و تعمیق می بخشد و با دقت و صراحت علمی فرمولبندی می کند و در عین حال از راه تحلیل مشخص شرایط اجتماعی - اقتصادی و تناسب قوای سیاسی روسیه به تدوین استراتژی انقلاب می رسد:

تشکیل جبهه متحد خلق از کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان شهر و روستا ، برای خنثی کردن تزلزل ها و سازشکاری های بورژوازی لیبرال و مبارزه در راه استقرار جمهوری دموکراتیک نوین. این امر بدون تأمین سرکردگی پرولتاریا که در عین حال حلقه رابط انقلاب دموکراتیک و انقلاب سوسیالیستی است امکان پذیر نیست.

"... در شرایط کنونی تشکیل جبهه متحد خلق ..."

دربرگیرنده طیف وسیعی از همه احزاب، سازمان ها و نیروهایی که به آماج های مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب ۲۲ بهمن پایبند و خواهان تحقق شعار " آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی " هستند - ضرورت حیاتی دارد. این جبهه متشکل از کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی خواهد بود و خواهد کوشید تا لایه هایی از بورژوازی متوسط و کوچک را که در برخی از تحولات ملی و دموکراتیک ذینفع هستند بسوی خود جلب کند. اکثریت عظیم توده های مردم کشور ما بالقوه می توانند در این جبهه شرکت کنند. اتحاد کارگران و دهقانان استخوانبندی چنین جبهه ای است."

قطعه نامه مصوب کنفرانس ملی حزب توده ایران درباره وضع

ایران و جهان .

نامه مردم - شماره ۸، ۱

" فرجام انقلاب منوط به آنست که آیا طبقه کارگر نقش همدست بورژوازی را بازی خواهد کرد، همدستی که از لحاظ نیروی تعرض علیه حکومت استبدادی توانا، ولی از لحاظ سیاسی ناتوان است، یا اینکه نقش رهبر انقلاب توده ای را. (منتخبات به فارسی ص ۲۲۲).

لنین برای اثبات صحت نظر خویش ناگزیر بود با نظریات منشویک ها و تروتسکیست ها در این باره مبارزه کند. جناح راست سوسیال دموکراسی اروپایی - از جمله منشویک های روسیه - بر آن بودند که دهقانان، عقب مانده، تنگ نظر، خرافه گرا و ارتجاعی اند و پرولتاریا نمی تواند و نباید با آنان متحد شود. لنین استدلال می کرد که جنبش دموکراتیک دهقانی، علیرغم تنگ نظری ها و خرافه گرایی ها، از لحاظ عینی و تاریخی، جنبشی مترقی و انقلابی است که می تواند و باید سهم مهمی در تحولات دموکراتیک انقلابی جامعه ایفا کند:

"هم منطق و هم تاریخ به ما می آموزند که دیدگاه طبقاتی خرده بورژوازی ممکن است کم و بیش محدود و یاکم و بیش مترقی باشد و علت آن هم دو جنبگی موضع خرده بورژوازیست. وظیفه ما هم به هیچ وجه نمی تواند این باشد که در مورد این محدودیت دست روی دست بگذاریم. بلکه بر عکس باید نقطه نظر او را به طور خستگی ناپذیری وسعت دهیم و به او کمک کنیم تا با ادراک خویش بر پندار های خرافی غلبه کند." (لنین - یک گام به پیش، دو گام به پس - ص ۱۶۲)

ادامه دارد

نیروهای انقلابی است. اما برخی خطوط و وجوه تمایز عام مشی توده ای چنان بارز و روشنند که بی توجهی به آنها با ادعای مارکسیسم - لنینیسم منافات دارد. این وجوه تمایز عام ، همچون خط سرخی از میان تاریخچه تکوین استراتژی و تاکتیک کمونیست های جهان می گذرد، و نخستین طرازبندی های بنیانگذاران سوسیالیسم علمی را با آخرین دستاوردهای تجربی و تئوریک پیشاهنگان روند انقلابی جهانی پیوند می زند.

" مانیفست حزب کمونیست " اثر جاویدان و تاریخساز مارکس و انگلس، نخستین نوشته جامعی است که در آن ، علاوه بر جهان بینی و ایدئولوژی ، کلیات استراتژی و تاکتیک پرولتاریا نیز توضیح داده شده است. آخرین فصل این کتاب به " موضعگیری کمونیست ها در قبال احزاب گوناگون اپوزیسیون " اختصاص دارد. مارکس و انگلس که در بخش های پیشین کتاب، مواضع کمونیست ها را در برابر سرمایه داری و در برابر دیگر احزاب کارگری روشن کرده اند، در این فصل رابطه آن ها را با دیگر نیروهای انقلابی جامعه توضیح می دهند. در همین فصل است که آنها رهنمودی جامع الاطراف را عرضه می کنند که بعدها لنین آن را " حکم بنیادی مارکسیسم درباره تاکتیک مبارزه سیاسی " می نامد (لنین - کارل مارکس، زندگینامه سیاسی " ص ۵۰). این رهنمود از این قرار است:

" کمونیست ها در راه هدف ها و منافع فوری طبقه کارگر مبارزه می کنند ولی همزمان با آن، در جنبش امروزی ، از فردای جنبش نیز دفاع می کنند." (مارکس و انگلس - مانیفست حزب کمونیست - ص ۹۷)

مارکس و انگلس در تشریح این رهنمود، پشتیبانی کمونیست ها را از نیروهای انقلابی در کشورهای مختلف اروپای آن روز برمی شمارند و به این نتیجه می رسند که:

" خلاصه آن که کمونیست ها همه جا از هر جنبش انقلابی که ضد نظام اجتماعی و سیاسی موجود باشد، پشتیبانی می کنند و " ... همه جا برای برقراری اتحاد و توافق میان احزاب دمکرات همه کشورها جهد می ورزند. " (همانجا - ص ۹۹).

در عین حال، مارکس و انگلس یادآور می شوند که " کمونیست ها پنهان نگاهداشتن نظریات و نیت خویش را ننگ می دانند " (همان جا - ص ۹۷)، و در عین حال، پشتیبانی از دیگر نیروهای انقلابی، " از حق خود برای انتقاد " (همان جا - ص ۹۹)، نیز صرف نظر نمی کنند.

به این ترتیب پیام مانیفست در زمینه استراتژی و تاکتیک به این صورت درمی آید: مبارزه با سرمایه داری و " اتحاد و مبارزه " با دیگر نیروهای انقلابی.

سیاست " اتحاد و مبارزه " پرولتاریا با متحدان طبقاتی خویش، شکل مشخص " دفاع از فردای جنبش در درون جنبش امروز " است. کمونیست ها با اتخاذ این سیاست همواره در صف نخستین جنبش انقلابی واقعا موجود حضور می یابند، در راه اتحاد همه نیروهای خلقی و انقلابی و گردآوری همه نیروهای واقعا موجود در مبارزه علیه دشمن مشترک - سرمایه داری - می رزمند، با روشنگری سیاسی ، و انتقاد از مواضع ارتجاعی هر یک از این نیروها، در راه جلوگیری از انحراف یا توقف انقلاب می کوشند و تداوم و تعمیق انقلاب را تا تأمین سرکردگی پرولتاریا و پیروزی نهایی انقلاب پاسداری می کنند. سیاست " اتحاد و مبارزه " سیاست تشکیل جبهه متحد خلق است. سیاستی است که بنیانگذاران جنبش کمونیستی آن را تدوین کرده اند.

مارکس و انگلس در انقلاب ۴۹ - ۱۸۴۸ آلمان، که در آن به طور مستقیم و فعال شرکت داشتند، همین سیاست را در برخورد با دیگر انقلابیون آلمان به کار گرفتند. انگلس در این باره از مبارزه " مشترک " کمونیست های آلمان با " طبقه کاسبکاران خرده پا " ، " یا به عبارت صحیح تر به اصطلاح حزب دمکرات " یاد می کند (انگلس: انقلاب و ضد انقلاب در آلمان - کلیات به انگلیسی ج ۱ - ص ۲۸ - ۲۷).

مارکس و انگلس در تحلیل راهکشیانه همین انقلاب آلمان بود که برای نخستین بار اندیشه هژمونی پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک را طرح کردند. این اندیشه در بررسی تحلیلی انقلاب ۵۰ - ۱۸۴۸ فرانسه گسترش داده شد: برای پیروزی بازگشت ناپذیر انقلاب، طبقه کارگر می باید نقش طبقه رهبر را در انقلاب دموکراتیک به عهده بگیرد. نکته مهم آنست که برای



شراره‌های جنگ . . .

نگاهی گذرا به عنوانهای مطبوعات مجاز، نشانگر آن است که سران رژیم پس از سازش با امپریالیسم آمریکایی از پیش به ادامه جنگ و با به بیان دیگر به اجرای استراتژی واشنگتن علاقه نشان می‌دهند.

"مزاران گردان نیروهای بسیج به جبهه‌ها اعزام شد"، "آمادگی نیروهای اسلام برای حمله" بزرگ آرامش را از دشمنان ماسلب کرده است، "پنج لشکر از خواهران بسیجی قدرت رزمی دفاعی خود را به نمایش گذاشتند"، "۲۰ هزار نفر از نیروهای بسیجی تهران از ۱۹۰۷ پایگاه و ناحیه مقاومت با استقرار در ۶ هزار نقطه در مانور خندق شرکت جستند"، "حق طبیعی ملت ایران است که تا ریشه‌کن کردن صدام و دارودسته‌اش به دفاع مشروع خود ادامه دهد"، "جمهوری اسلامی ایران خواستار گسترش و تقویت حضور دریائی در خلیج فارس است" - چنین است سرلوحه‌های مطبوعات ایران در روزهای اخیر.

چند روز پیش صدای ج. ا. خبر "مانور عظیم ذوالفقار نیروی دریائی" با شرکت ده‌هزاروند ناوشکن، اسکادرانهای هاورکرافت، هلیکوپتر و شکاری بمب افکن، توپخانه و واحدهای موشکی را پخش کرد.

تدارک برای حمله جدید خنکامی صورت می‌گیرد که میلیونها ایرانی خواهان پایان دادن به جنگ و کشتار جمعی مجدد هستند و جوانان هر روز پیش از پیش از رفتن به جبهه‌های جنگ خودداری می‌کنند. ارگانهای سرکوبگر با ایجاد به اصطلاح "کلوگاهها" در مدخل شهرها و نیز حمله‌های شبانه به

بسیاری از امکانات ما، در خدمت جنگ قرار گرفته است".

لنین بدرستی خاطر نشان کرد که "اقتصاد سرمایه‌داری به سود جنگ (یعنی اقتصادی که مستقیم و با غیر مستقیم به تدارکات نظامی ارتباط دارد) عبارت است از دزدی مستمر و قانونی بیت‌المال" (مجموعه کامل آثار، جلد ۲۴، ص ۱۷۲، متن اصلی).

حتی اگر دزدی بیت‌المال را کنار بگذاریم، در پیش گرفتن سیاست میلیتاریزه کردن اقتصاد و صرف بخش قابل توجهی از درآمد ملی به هزینه‌های نظامی، جز غارت آشکار زحمتکشان نبوده و نیست. همه این سرمایه‌های بازگشت‌ناپذیر که صرف ادامه جنگ می‌شود، از آنجائی که هیچگاه در تجدید تولید بکار نخواهد رفت، به مثابه "ضربه" جبران‌ناپذیر به اقتصاد کشور است و نه تنها نسل حاضر، بلکه نسل‌های آینده نیز بار آن را بردوش خواهند کشید.

ادامه جنگ، یکی از عوامل اصلی گسترش فقر و مسکنت، بیکاری و بی‌خانمانی اکثریت قاطع افراد جامعه و تمرکز بیسابقه ثروت در دست مستی زالوهای اجتماعی است. جنگ شرایط تحکیم مواضع اجتماعی - سیاسی ارتجاعی‌ترین نیروها و عمال امپریالیسم رافراهم آورده و رژیم ترور و اختناق را تشدید کرده است.

حزب توده ایران بارها خاطر نشان کرده که در شرایط کنونی پیروزی نظامی هیچ یک از طرفین مخصوصاً در جنگ امپریالیسم رافروخته ایران و عراق، امکان‌پذیر نیست.

ادامه جنگ خواست امپریالیسم آمریکا و متحدان آن در پیمان تجاوزکار "ناتو" و نیز رژیم صهیونیستی اسرائیل، منق استراتژیک آمریکا در منطقه است.

خانه‌های مردم به شکار انسانها بویژه برای اعزام به جبهه‌ها می‌پردازند. اختطافهای مکرر و تهدیدآمیز اداره نظام وظیفه، سپاه پاسداران و کمیته‌ها به مردم در مورد دادن اطلاعات پیرامون شناسائی مشمولین غایب و فراری، موظف کردن شهروندان به همراه داشتن مدارکی از قبیل کارت پایان خدمت یا معافیت دائم، کارت معافیت موقت، کفالت پزشکی، کارت شناسائی و غیره، به روشنی ژرفای ناراضائی توده‌های خلق و سرپیچی آنها از رفتن به جبهه‌ها را نشان می‌دهد.

تدارک حمله جدید زمانی صورت می‌گیرد که بار دیگر دامنه جنگ به شهرها و روستاهای پشت جبهه‌ها کشانده شده است. روزی نیست که خبر حمله‌های هوائی و توپهای سنگین به شهرها و مراکز صنعتی از جانب هر دو طرف درگیر جنگ انتشار نیابد. کشتار کودکان و زنان و پیرمردان، تخریب موسسه‌های صنعتی و مزارع، محصول سیاست ایران برپاداده "جنگ، جنگ تا پیروزی" است. حمله هوائی عراق به ترمینال نفتی "لارک"، جزیره خارک، باختران، اسلام آباد غرب، اهواز، تبریز، اصفهان و تهران و غیره و حمله متقابل ایران به بغداد، بصره، کتزی، اربیل، مندلی و خانقین نه تنها صدها کشته و زخمی بر جای گذارده، بلکه موسسات صنعتی، نیروگاه‌های برق و غیره را با خاک یکسان ساخته است.

ادامه جنگ به میلیتاریزه کردن زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور منجر گردیده است. هم اکنون اکثر کارخانه‌های دولتی و خصوصی در خدمت جنگ قرار دارند. رفسنجانی ژرفای این روند را چنین توصیف می‌کند: "ما نسبت به ۵ سال پیش، چندین برابر تولید ابزار جنگی داریم و

"اودیسی" در "اجلاس جهانی" . . .

مختلف به تشریح مسائل دانشجویان و جوانان ایران و سیاست ضد خلقی - ارتجاعی رژیم خمینی پرداخت.

مسئله سرکوب آزادیها و حقوق دانشجویان و جوانان، و مسئله جنگ ایران و عراق بصورت گسترده در جلسات مختلف این اجلاس مطرح و مورد توجه شرکت کنندگان قرار گرفت.

نمایندگان سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران همچنین در ملاقات با هیئت‌های مختلف، اعضای دبیر خانه اتحادیه بین‌المللی دانشجویان و دبیر کل اتحادیه با تشریح اوضاع ایران بر لزوم گسترش همبستگی با مبارزات قهرمانانه مردم ایران علیه رژیم خمینی تاکید ورزید. نماینده سازمان جوانان همچنین در مصاحبه‌های مطبوعاتی مختلفی شرکت کرد و به سؤالات مطروحه در مورد تحولات ایران و مبارزات دانشجویان و جوانان کشور ما پاسخ گفت.

نمایندگان "اجلاس جهانی دانشجویان" بر ضرورت پایان یافتن جنگ ایران و عراق تاکید و بیش از ۶۰ سازمان و اتحادیه دانشجویی قطعنامه مشترکی صادر کردند، که در آن "ادامه جنگ ایران و عراق محکوم" و "قطع فوری آن بر اساس عادلانه و دمکراتیک و تضمین منافع خلق همسایه در راه صلح و دمکراسی" طلب می‌شود.

بحران حاکمیت * * *

اسرائیل فهرست اسامی کمونیستها و دیگر نیروهای مترقی ایران را به دولت کنونی کشور فروختند و در نتیجه حدود تعدادی از اعضای حزب توده ایران اعدام شدند و هزاران نفر از شخصیتهای مترقی به زندانها افتادند و تحت شکنجه قرار گرفتند.

هدف سیاست آمریکا در مورد درگیری نظامی ایران و عراق، تضعیف هرچه بیشتر این دو کشور است. هدف مشی سیاسی آمریکا همچنین کسب هرچه بیشتر سود از نفت خاور نزدیک است. در این زمینه ایالات متحده آمریکا از تجاوزکاران اسرائیلی برای ایجاد عدم ثبات در خاور نزدیک به منظور استقرار خود در این منطقه فعلا بهره می‌گیرد.

همسانی عقیدتی . . .

مشترک خواهد داشت. اما سران مرتجع ج. ا. نباید فراموش کنند که آخرین سخن در دادگاه خلق از آن توده‌های زحمتکش و کمونیستها، یعنی مدافعان سرسخت صلح و آزادی و همبستگی برادرانه خلقها در سراسر جهان است و پشتیبانی انترناسیونالیستی حزب کمونیست ایتالیا از حزب توده ایران و مردم ستمدیده کشور ما نیز در همین چارچوب قابل ارزیابی است.

تدارک حمله جدید زمانی صورت می‌گیرد که سران رژیم ضد خلقی کشورهای کرانه خلیج فارس را تهدید به بمباران هوائی می‌کنند. وقتی رفسنجانی می‌گوید: "جمهوری اسلامی به کشورهای مرتجع که پایگاه و تسلیحات در اختیار عراق می‌گذارند، پاسخ مناسبی خواهد داد" و بدینسان کشورهای منطقه را تهدید به تجاوز نظامی می‌کند، عملاً زمینه اجرای استراتژی امپریالیسم آمریکادر خاورمیانه و نزدیک را فراهم می‌آورد. این امر، خطری را که ما بارها خاطر نشان کرده‌ایم، یعنی خطر گسترش دامنه آتش جنگ به دیگر کشورها را تشدید می‌کند.

ادامه جنگ و تهدید و گسترش دامنه آن به دیگر کشورهای کرانه خلیج فارس به امپریالیسم آمریکا امکان خواهد داد تا از طریق توسعه هر چه بیشتر پایگاه‌های نظامی و افزایش تعداد ناوگان جنگی در خلیج فارس به قصد به اصطلاح "دفاع از منافع حیاتی"، حضور نظامی خود در این منطقه نفتخیز و استراتژیک، تحکیم کند.

تردیدی نیست که ادامه جنگ و گسترش دامنه آن به دیگر کشورها، نه تنها امنیت خاورمیانه و نزدیک و استقلال و تمامیت ارضی کشور ما، بلکه صلح جهانی را به مخاطره می‌اندازد. به همین سبب مبارزه برای پایان دادن به جنگ و استقرار صلح عادلانه، وظیفه عاجل همه نیروهای ملی و مترقی و همه مدافعان استقلال و تمامیت ارضی میهن ماست.

سفر مک فارلین: حلقه‌ای...

جوی و احیاء، تحکیم و گسترش مواضع از دست رفته، وسیع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی خود در ایران است.

این روزها در جمهوری اسلامی، کارگزاران دستگانه تبلیغاتی رژیم از چپ و راست درباره "ضعف" آمریکا و "نقش و اهمیت استراتژیک ایران و جمهوری اسلامی" سخن می‌گویند، ولی درباره نقشه‌پردازیهایی استراتژیک امپریالیستها، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا که با کمک سردمداران مرتجع و خائن جمهوری اسلامی و کارگزاران داخلی خود علیه مردم ایران و مصالح ملی میهن ما در حال اجراء است، مهر سکوت بر لب می‌زنند.

سردمداران مرتجع جمهوری اسلامی که این روزها با شعارهای "ضد آمریکائی" و جانماز آپکشی خود، تلاش می‌ورزند تا در پیشگاه مردم ایران چهره "خویش را ببوشانند و بر این رسوائی و خیانت پرده بکشند، کلمه‌ای در این باره سخن نمی‌گویند که چه تحولاتی انجام شده و چه بند و بست‌هایی در بین کدام محافل حاکمه با کارگزاران آمریکائی صورت گرفته است که مقامهای بلند پایه و جاسوسان آمریکایی بدون دغدغه خاطر و با خیال راحت به ایران سفر می‌کنند و از جانب کسانی که خود را "دشمن خوئی" آمریکا معرفی می‌کنند، پنج روز در "هتل استقلال" پذیرائی می‌شوند و سپس با سلام و صلوات به کشورشان باز می‌گردند. در حالیکه در نیکارگوته ضد امپریالیست جاسوس آمریکائی را به شدیدترین مجازات قانونی آن کشور یعنی ۲۰ سال زندان محکوم می‌کنند.

واقعیت آنست که آمریکا دشمن خوئی و آشتی‌ناپذیر خلفها، در سالهای بعد از انقلاب حتی یک لحظه از توطئه‌چینی علیه مردم و میهن ما، علیه استقلال و تمامیت ارضی، مصالح و منافع ملی کشور ما دست برنداشته و در آینده نیز در راه رسیدن به هدف خود همانطور که میگردد در سال ۶۰ اعلام داشت "تمام نیروی خود را به کار خواهد برد". بر این بنیان، سفر مک فارلین، نه اولین سفر یکی از عوامل و کارگزاران مسئول محافل امپریالیستی آمریکا بوده است و نه آخرین سفر خواهد بود. در سالهای اخیر همواره هتلهای بزرگ تهران میعادگاه عوامل و جاسوسان داغدار امپریالیسم بوده است. آنها با پاسپورت‌های ایرلندی، سوئیسی، دانمارکی و غیره برای پیاده کردن نقشه‌های شوم ایران بر باددهشان تاکنون بارها و بارها به کشور ما سفر کرده‌اند و از این پس نیز تا زمانی که در جمهوری اسلامی در بر این پاشنه می‌چرخد با اطمینان خاطر به رفقت و آمدن خود ادامه خواهند داد، زیرا از پشتیبانی عوامل و پایگاههای داخلی خود، از پشتیبانی مزدوران ساواک، "سیا"، "موساد"، "اینتلجنس سرویس" و حجتیه‌ایها که بعد از انقلاب زیر چتر سرکوب قرار نگرفتند و هم اکنون متشکل و سازمان‌یافته در سطح جامعه عمل می‌کنند، از پشتیبانی عوامل مسلمان‌نمای "به انقلاب پیوسته" امپریالیسم که با ریش و تسبیح در سطوح گوناگون دستگاههای دولتی حضور دارند و در هماهنگی و همکاری نزدیک با امپریالیسم سرگرم "خدمتگزاری به امام امت و امت امام" هستند، و از پشتیبانی همه جانبه کلان

سرمایه‌داران و بزرگ زمینداران و مدافعان رنگارنگ آنها در حاکمیت جمهوری اسلامی برخوردارند و در کل زیر چتر "امنیت حکومت اسلامی" قرار دارند.

افزون بر اینها، باید دید محورهای عمده توطئه امپریالیستی‌ای که با یکدیگر پیوند درونی و جدائی‌ناپذیر دارند و امپریالیسم آمریکا می‌خواهد از طریق آن "ارزشهای" خود را بر ایران حاکم کند، کدام است؟

به باور ما، در شرایط کنونی توطئه‌ای که امپریالیسم آمریکا و متحدان امپریالیستی و ارتجاعی‌اش برای دستیابی به آماج خویش در حال پیاده کردنت، در چهار محور عمده زیر قابل بررسی است:

۱- ادامه جنگ ایران و عراق. امپریالیسم آمریکا که خود برافروزنده "جنگ و برنده" اصلی آن است، با کمک همپیمانان خویش تلاش می‌ورزد تا با باری رساندن به هر دو طرف درگیر و به قیمت خون مردم ایران و عراق آتش این جنگ فرسایشی را همچنان فروزان نگهدارد و این دو کشور را هر چه بیشتر تضعیف کند.

۲- تحکیم پایگاههای داخلی. امپریالیسم برای تحکیم مواضع اقتصادی و سیاسی کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمینداران و گسترش فعالیت غارتگرانه بخش خصوصی از هر امکانی بهره‌برداری می‌کند. چرا که بگفته "صادقی وزیر اسبق کار: ثروت و سرمایه بدون نظارت و کنترل، دولت، مجلس و نظام جمهوری اسلامی را قبضه خواهد کرد و این نظام را در بیست در اختیار آمریکا قرار می‌دهد" (اطلاعات ۶۲/۱۲/۲۶).

۳- حفظ حکومت ترور و خفقان. فرمانروائی سیاست ترور و اختناق پلیسی و سرکوب نیروهای انقلابی و در وهله نخست حزب توده ایران و دامن زدن به کارزار وسیع کمونیسم ستیزی و توده‌ای ستیزی به منظور ایجاد افتراق و چنددستگی در میان پابندان به آماجها مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب بهمین، سرکوب هر ندای حق طلبانه و آزادیخواهانه با نسبت دادن آن به مبارزان توده‌ای مضمون این محور و باری، رسان امپریالیستها در هموار کردن راه تسلط همه جانبه خود بر میهن ماست.

۴- ادامه "سیاست" نه شرقی، نه غربی. در چارچوب این محور امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، بطور کلی روی سیاست خارجی جمهوری اسلامی که در حرف "نه شرقی، نه غربی" ولی در عمل در راستای نزدیکی به امپریالیسم و ارتجاع و همکاری با آنها است، حساب ویژه‌ای برای خود باز کرده است. در این بین همچنین باید خاطر نشان ساخت که سیاست خارجی جمهوری اسلامی بطور اعم و عملکرد وزارت امور خارجه رژیم بطور اخص، در اساسی‌ترین خطوط خود با نقشه‌پردازیهایی امپریالیسم همخوانی دارد. امپریالیسم آمریکا برای احیای مواضع خود، با بهره‌برداری از سیاست "نه شرقی، نه غربی" جمهوری اسلامی زمینه‌های ضرور را برای گسترش هر چه بیشتر مناسبات ایران با همپیمانان امپریالیستی و ارتجاعی خود (همانند آلمان غربی، ژاپن، انگلستان، ترکیه و پاکستان) فراهم می‌سازد و از طریق آنها در چپاول ثروت ملی ما شرکت می‌ورزد. در این راه، از کمک عوامل داخلی

خود از جمله وبویژه در وزارت امور خارجه حداکثر استفاده را می‌کند.

سخنان مصطفی تبریزی، نماینده سابق مجلس، در سال ۶۱ یعنی زمانی که هنوز تلاشها و توطئه‌های امپریالیسم چون امروز تکوین نیافته بود، درباره "مکانیسم دسیسه‌پردازیهایی امپریالیسم، به اندازه کافی گویاست:

"آمریکا بهترین راهی را که در پیش خواهد گرفت، تشدید حرکات خزنده‌اش برای نفوذ تفکرات سیاسی، اقتصادی خویش در جامعه ما خواهد بود. منتهی این بار از غرب زده‌ها و متجددین کمتر و از کسانی که در فرم و شکل مذهبی، اما در محتوی دارای ایدئولوژی التقاطی، آنهم التقاطی از نوع فئودالیسم و سرمایه‌داری و اسلام هستند، بیشتر استفاده خواهد کرد. شاید زمره‌های افرادی که آمریکا را کشور موحد می‌دانند و داشتن روابط اقتصادی با آن را تشویق می‌کنند، آغازی است برای این تهاجم نفوذی و خزنده از ناحیه آمریکا، نتیجه طبیعی این قماش استدلال‌ها، اجازه ورود به هر قماش از آمریکا، اروپا، اردن، عربستان و ترکیه خواهد بود و سرانجامش گردن نهادن به تمام قید و بندهای آمریکا و شرکای آن است."

حال با گذشت چهار سال از زمان بیان این سخنان شاهد آن هستیم که ریکان "تمامهای مخفی" ۱۸ ماهه آمریکا با ایران را در راستای تأمین منافع ملی ایالات متحده آمریکا یعنی در راستای تأمین منافع غارتگرانه انحصارهای آمریکائی ارزیابی می‌کند و "دستگاههای مسئول" در راه "ایجاد رابطه‌های سیاسی - اقتصادی با غرب زمینه پیمانهای استراتژیک" را فراهم می‌سازند. برخلاف نظر "دانشجویان دفتر تحکیم وحدت" امروزه نه در "بعضی" بلکه در بسیاری از "دستگاههای اجرائی، این مساله (دشمنی با امپریالیسم آمریکا) نوعی شوخی تلقی می‌شود و گرایشهای آمریکائی در حال شکل‌گیری است" و جناح نیرومندی "مساله وحدت استراتژیک با غرب" را زیر شعار "مبارزه با کفر" مطرح می‌سازند و در راه جامه عمل پوشاندن به آن گام بر می‌دارند. با در نظر گرفتن واقعیتهای پیشگفته هر کس، هر نیرو یا جریان سیاسی از ادامه جنگ امپریالیسم برافروخته ایران و عراق، از گسترش فعالیت بخش خصوصی تحت هر عنوانی از جمله زیر شعار "سپردن کار مردم به مردم"، از سرکوب آزادیها و حقوق دمکراتیک و بورش به نیروهای انقلابی و از سیاست "نه شرقی، همه‌اش غربی" جمهوری اسلامی به هر انگیزه و دستاویزی دفاع کند، خواسته یا ناخواسته به تحقق توطئه استراتژیک امپریالیسم برای تسلط بر میهن مایاری رسانده است.

در شرایط حساس کنونی وظیفه سنگین بر عهده همه پابندان به آماجهای مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب بهمین قرار دارد. معتقدان به شعار "آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی" باید با تمام توان توطئه‌نویس امپریالیسم علیه استقلال و حاکمیت کشورمان را افشا کنند و دستنهایی را که برای پیشکش کردن منابع و منافع ملی مردم مابوسی امپریالیسم جهانی دراز می‌شود، قطع سازند.

موتور امپریالیسم آمریکا

دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان!

اعلامیه دولت اتحاد شوروی

پیرامون موراتوریوم آزمایش های هسته ای

روز پنجشنبه گذشته خبرگزاری تاس اعلامیه دولت اتحاد شوروی را درباره سرنوشت موراتوریوم، خودداری یکجانبه اتحاد شوروی از انجام آزمایش های هسته ای که اکنون نزدیک به یکسال و نیم از رعایت آن می گذرد، منتشر کرد. در این اعلامیه پس از ابراز تاسف عمیق از نپیوستن دولت آمریکا به موراتوریوم اتحاد شوروی و انجام ۲۰ آزمایش هسته ای اعلام شده و ۴ آزمایش اعلام نشده توسط ایالات متحده آمریکا در طی این مدت گفته می شود که دولت اتحاد شوروی پس از بررسی عمیق و همه جانبه مسئله به نتایج زیرین رسید:

نخست - دولت اتحاد شوروی پیشنهاد می کند بدون درنگ گفتگو درباره ممنوعیت کامل آزمایش های هسته ای آغاز شود. بشرط شرکت ایالات متحده دولت شوروی برای انجام چنین گفتگوهایی در هرجمع و نشستی آماده است. در این گفتگوها باید مسئله کنترل هم بنحوی حل شود که رعایت قراردادی را که منعقد خواهد شد تضمین کند. اتحاد شوروی همچنین آماده است در روند گفتگوها پیرامون منع کامل آزمایش های هسته ای

، اگر قراردادهای میان اتحاد شوروی و آمریکا از سال های ۱۹۷۴ و ۱۹۷۶ توشیح شود و محدودیت تعداد و نیروی انفجار های هسته ای مشخص گردد، در مورد یک راه حل کام به کام هم به توافق برسد.

دوم - اتحاد شوروی آماده است در آینده نیز موراتوریوم خود را رعایت کند. اما پس از نخستین انفجار هسته ای ایالات متحده آمریکا در سال آینده، آزمایش ها را از سر خواهد گرفت.

سوم - اگر ایالات متحده آمریکا آزمایش های هسته ای را رسماً قطع کند، اتحاد شوروی نیز آماده است در هرروز و هر ماهی که باشد، برنامه خود را برای چنین آزمایش هایی متوقف سازد.

در پایان اعلامیه گفته می شود: "تصمیم مربوط به لغو موراتوریوم پس از نخستین آزمایش هسته ای آمریکا در سال آینده، تدبیری است که بخاطر حفظ امنیت مان به ما تحمیل می شود.

اتحاد شوروی در آینده نیز برای منع کامل آزمایش های هسته ای تمام کوشش خود را بکار خواهد برد و اطمینان دارد که مردم جهان به تصمیم دولت اتحاد شوروی با تفاهم برخورد خواهند کرد."

جریان تحویل این تجهیزات قرار نداده است *

"ایران گیت"

به نوشته روزنامه "لول مان" منتشره در "ماجاوست"، بخشی از پولهایی که رژیم ایران در مقابل خرید اسلحه به آمریکا پرداخته صرف هزینه های تبلیغاتی طرفداران ریگان در انتخابات اخیر کنگره شده است. در حدود ۵ میلیون دلار از این پولها به حساب نامزدهای محافظه کار هوادار ریگان ریخته شده است. به نوشته روزنامه "آمریکائی کنترل" انجام این کار هم به عهده "الیور ثورث" بوده است، اما دیگر اعضا دولت ریگان نیز از این ماجرا باخبر بوده اند.



روزنامه "واشنگتن پست" نقش پنتاگون در "عملیات ایران و آمریکا" را افشاش ساخته است. این روزنامه می نویسد: واین برگر، در سال اخیر ۴ بار به معاونان خود دستور داده است که موشکهای ضد تانک و موشکهای زمین به هوای "هاوک" را به سازمان جاسوسی آمریکا "سیا" تحویل بدهند. کارمندان پنتاگون تأیید کردند که واین برگر کنگره را در

هنری وینستون درگذشت

به مناسبت درگذشت هنری وینستون پیام تسلیت زیر از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا فرستاده شد:

با اندوه فراوان از درگذشت نابهنگام رفیق هنری وینستون، صدر حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، آگاه شدیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران این ضایعه سفیاری را به شما و همه کمونیستهای کشورتان صمیمانه تسلیت می گوید.

حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا و جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری با مرگ رفیق هنری وینستون یکی از خستگی ناپذیرترین و آزموده ترین رهبران خود را از دست می دهد. هنری وینستون میهن پرستی بود سرگ و انترناسیونالیستی با ایمان که همه زندگی خود را در جبهه مبارک راه صلح، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی رزمید و وفادار به مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، در راه تحکیم وحدت و پاکیزگی آرمانی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری کوشش ورزید.

ما کمونیستهای ایران خاطره این کمونیست بزرگ را پیوسته جاودانه نگاه خواهیم داشت.

با درودهای کمونیستی،
کمیته مرکزی حزب توده ایران

بحران حاکمیت

گوشه ای از یک سخنرانی گاس هال

دیرکل حزب کمونیست آمریکا

ایالات متحده آمریکا با بحران سیاسی عمیقی روبروست که بشکل حادی باعث عدم اعتماد مردم آمریکا به دولت ریگان شده است. در نتیجه جنجال بسابقه افشای فروش مخفیانه سلاحهای آمریکایی به ایران، در کشور وضعی بوجود آمده که ۸۲ درصد اهالی برآنند که رئیس جمهوری دروغ می گوید.

طی سه سال گذشته، دولت مدام سوکند می خورد که بیطرفی در جنگ ایران و عراق را مراعات کرده است. واشنگتن همچنین از دیگر دولتها می خواست تا به ایران اسلحه تحویل ندهند در حالی که خود دولت ریگان مخفیانه به ایران اسلحه می فروخت. باید خاطر نشان ساخت که گذشته از فروش اسلحه، سازمان جاسوسی آمریکا "سیا" و سازمان جاسوسی بقیه در ص ۶

NAMEH
MARDOM
No: 134
P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

23 December 1986

شادباش
به هموطنان مسیحی

" نامه مردم " فرارسیدن
سال نو میلادی (۱۹۷۷) را به همه
هموطنان مسیحی، بویژه اعضا و
مواداران حزب توده ایران
شادباش می گوید.

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است